

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۷۴

شنبه ۱۲ اردی بهشت ۱۴۰۵ و ۲ مه ۲۰۲۶

اقدام جهانی آوریل، تحرکی امید بخش علیه
اعدام و سرکوب!

حسن صالحی

یکی از بنیادهای جمهوری اسلامی که ادامه حیات هیولایی این حکومت را ممکن کرده است، زندان، شکنجه و اعدام است. ساختار جمهوری اسلامی بر پایه اعدام و سرکوب بنا شده و اگر این ابزارها وجود نداشت، با نفرتی که مردم از این حکومت مافیایی و اشغالگر دارند، رژیم حتی چند ساعت نیز دوام نمی آورد.

اکنون مقابله با این ساختار سرکوب و بسیج عمومی علیه اعدام، زندان و شکنجه جمهوری اسلامی یکی از عاجل ترین وظایفی است که در برابر همه نیروهای اپوزیسیون قرار دارد. هر نیرویی که بتواند به عاملی برای بیشترین تحرک مبارزاتی علیه سلاح مرگبار سرکوب و اعدام تبدیل شود بیشترین اقبال را در نزد مردم رنجدیده ایران برای عبور از جمهوری اسلامی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی پس از کشتار خونین دی ماه سال ۱۴۰۴، که این حکومت را موقتاً از سرنگونی توسط مردم به پاخاسته ایران نجات داد، در سایه جنگ و فضای جنگی به تشدید سرکوب و اعدام در ایران پرداخته است. این رژیم سفاک با خاموش کردن اینترنت به جان مردم افتاده، با هیاهو و شعارهای جمعیت کرایه ای حزب الله خیابان ها را تحت کنترل درآورده، در کوچه ها و محله ها ایستگاه های بازرسی دایر کرده و نیروهای مزدور و تروریست، از جمله حشدالشعبی و فاطمیون، را در خیابان ها به گردش درآورده است. هر روز ده ها نفر را دستگیر می کند و در مدت کوتاهی دست کم ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی و معترضان دی ماه، به همراه دو نفر دیگر را به اتهام جاسوسی اعدام کرده است.

همه این ها تلاش های یک رژیم درمانده و مستأصل برای بقاست. رژیمی که ذره ای مشروعیت در میان مردم ایران ندارد و با به راه انداختن پویشی دروغین به نام "جان فدا" می کوشد نشان دهد که به طور میلیونی در میان مردم اعتبار دارد. غافل از آن که همین رژیم، بیش از ۶۰ روز است از ترس مردم و بروز اعتراضات مردمی، اینترنت را قطع کرده و همین امر نیز صدای همه را درآورده است. اکنون خاموشی و قطع اینترنت در کنار زندان و شکنجه و اعدام به سلاح سرکوب حکومت تبدیل شده است و و اعتراض همگانی را

برانگیخته است.

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

زنده باد اول مه!

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

دی ماه خونین رمز سرنگونی جلادان

اسلامی است

کاظم نیک خواه

صفحه ۳

موقعیت اعتراضات و جدالهای اجتماعی

در پس جنگ

شهلا دانشفر

صفحه ۴

در دفاع از معیشت و زندگی چه باید

کرد؟

فاتح بهرامی

صفحه ۶

بیانیه به مناسبت اول ماه مه روز جهانی

کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان و

تهران

اطلاعیه حزب

صفحه ۹

ادامه از صفحه یک

اقدام جهانی آوریل، تحرکی امید بخش ...



حسن صالحی

تعلیق درآوردند، روند دادرسی عادلانه و تضمین‌های محاکمه عادلانه را به طور کامل تضمین کنند و فوراً افرادی را که خودسرانه بازداشت شده‌اند آزاد کنند."

مای ساتو گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران در اکانت خود در شبکه اکس نوشت:

"من هم بر بیانیه‌ی کمیسر عالی حقوق بشر، فولکر تورک در مورد ایران تأکید می‌کنم، و هم صدا با او از مقامات ایران می‌خواهم که اعدام‌ها را متوقف کنند، کسانی را که خودسرانه بازداشت شده‌اند آزاد کنند، و دسترسی به اینترنت را بازگردانند."

هانا نیومن، نماینده آلمان در پارلمان اروپا نیز خواستار آن شد که موضوع آزادی زندانیان سیاسی، توقف اعدام‌ها در ایران و دسترسی آزاد به اینترنت، در دستور کار مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا قرار گیرد.

در پی این کارزار و فشارهای جهانی بر جمهوری اسلامی، محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قتاله رژیم، اعلام کرد که حکومت به درخواست‌های جهانی برای توقف اجرای حکم اعدام اعتنا نخواهد کرد. آنچه مسلم است، برای به شکست کشاندن جمهوری اسلامی، به بسیج نیروی بیشتری نیاز داریم و باید مصمم‌تر به کارزارهای ضد اعدام و برای نجات زندانیان سیاسی ادامه دهیم.

دبیرخانه فراخوان آوریل اعلام کرده است که ضمن ادامه چنین کارزارهایی، در پی آن است تا با دعوت از همه دست‌اندرکاران این اقدام جهانی، از جمله نهادهای سازمان‌ها و احزاب سیاسی، در نهم ماه مه، با

در چنین شرایطی، چندی پیش به همت شماری از فعالان سیاسی، کنشگران اجتماعی و نمایندگان سازمان‌ها و احزاب سیاسی، یک اقدام جهانی شکل گرفت که به "کارزار جهانی آوریل" معروف شد. این کارزار از ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) آغاز شد و حول سه خواست محوری توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و معترضان بازداشتی، و دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت توانست نیروی قابل‌توجهی را گرد خود جمع کند.

این اقدام جهانی از حمایت ۱۷۵ نهاد، شبکه مبارزاتی، سازمان،

حزب سیاسی و گروه در داخل و خارج کشور برخوردار شد؛ اتحادی کم‌نظیر که در پاسخ به یک نیاز عاجل شکل گرفت و در عین حال، اراده‌ای واحد برای مقابله با سرکوبگری جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن این سیاست را به نمایش گذاشت. در ۱۴ کشور و ۳۵ شهر جهان، برنامه‌هایی در حمایت از این کارزار و حول این سه خواست برگزار شد.

در جریان این کارزار، همراهان آن با برگزاری ده‌ها نشست اینترنتی و

انجام مصاحبه‌های تلویزیونی، افکار عمومی را از وضعیت تأسفبار زندانیان در ایران، محدودیت‌های اینترنت و روند فزاینده اعدام‌ها آگاه ساختند و خواستار واکنش جهانی در این زمینه شدند.

این کارزار در عین حال در نامه‌ای خطاب به دولت‌های عضو سازمان ملل، با ابراز نگرانی عمیق از تشدید اعدام‌ها، بازداشت‌های خودسرانه و محدودیت‌های گسترده در ایران، این وضعیت را نشانه یک الگوی مستمر نقض حقوق بشر دانسته است. در این نامه تأکید شده که معترضان، فعالان مدنی و اقلیت‌ها در معرض خطر جدی قرار دارند و همزمان، محدودسازی اینترنت برای کنترل اطلاعات و جلوگیری از مستندسازی نقض‌ها به کار گرفته می‌شود.

در پی این تحرکات، ولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام داشت: "از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهم که تمام اعدام‌ها را متوقف کنند" و "استفاده از مجازات اعدام را به حالت



مشارکت در یک کنفرانس، قطعنامه‌ای را در خصوص لغو مجازات اعدام و محو پدیده جرم‌انگاری سیاسی و زندان سیاسی در ایران، چه در شرایط کنونی و چه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، در این لحظه تاریخی از انقلاب مردم ایران تدوین و مستند کند.

امروز بیش از هر زمان، گسترش این همبستگی و تبدیل آن به نیروی مؤثر در برابر سرکوبگری جمهوری اسلامی اهمیت دارد. نقش و مشارکت فعال احزاب و جریان‌های سیاسی در این کارزار، در کنار نهادهای و کنشگران حقوق بشری، نشان‌دهنده عزم مشترکی برای توقف اعدام‌ها، آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از حقوق بنیادین مردم ایران است. تنها با تداوم این مسیر و تقویت اراده جمعی است که می‌توان راه را برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی هموار کرد.

خیابان‌های ایران عریضه‌کشی می‌کنند و حیدر حیدر می‌گویند. بله در برابر این جنایت عظیم و بی‌سابقه در این قرن، دنیا آن‌گونه که می‌بایست، آن‌گونه که انتظار می‌رفت، عکس‌العمل نشان نداد. قتل‌عام مردم ایران تحت‌الشعاع جنگ و بحران غزه و مسائل دیگر قرار گرفت و به درجه‌ای حاشیه‌ای شد. این جای تأسف است. اما با تأکید می‌گویم که برای ما مردم در ایران این جنایت و کل جنایات حکومت اسلامی، و محاکمه سران چنین حکومتی در صدر است و در صدر خواهد ماند. ما کاری می‌کنیم که دنیا به این جنایت بازگردد. صداهایی هم‌اکنون از اتحادیه‌های کارگری و برخی جریان‌های حقوق بشری در این رابطه به گوش می‌رسد و این جای خوشحالی است. کارزار ضد اعدام و سرکوب در آوریل که اخیراً به پایان رسید، و کارزارهای دیگری که علیه کشتار و سرکوب و اعدام به جریان افتاده است، سوت تحرکات گسترده جنبش دادخواهی را زده است. اما این‌ها هنوز کافی نیست.

به شما قول می‌دهم که فوراً جنبش دادخواهی را خیلی زود از داخل ایران شاهد خواهیم بود و بازتاب آن در سطح بین‌المللی نیز حتمی خواهد بود. ده‌ها و صدها هزار اعضای خانواده‌ها و بستگان و مردمی که عزیزانشان را از دست داده‌اند به حرکت در خواهند آمد. هم‌اکنون

دی‌ماه خونین رمز سرنگونی جلادان اسلامی است



یک سوال از کاظم نیکخواه

انترناسیونال: کاظم نیکخواه نزدیک به چهار ماه از کشتار گسترده و تکان‌دهنده جمهوری اسلامی در دی‌ماه سال گذشته است؛ رویدادی که در مدت کوتاهی به یکی از خون‌بارترین سرکوب‌ها بدل شد. با وجود ابعاد این جنایت و خشونت کم‌سابقه آن، واکنش دولت‌های غربی- که

خود را مدافع حقوق بشر می‌دانند- در سطحی محدود و کمتر از انتظار باقی ماند. به نظر شما علت این سکوت یا واکنش کم‌رنگ چیست؟ و برای پیشبرد دادخواهی و پاسخگو کردن عاملان این فاجعه، چه مسیرها و ابزارهایی پیش رو قرار دارد؟

کاظم نیکخواه: نکته بسیار مهمی است. دی‌ماه خونین هیچگاه در تاریخ این کشور فراموش نخواهد شد. ما موظفیم و مصممیم که دنیا را علیه حکومت قاتلان اسلامی بسیج کنیم. باید تمام عاملین و آمرین این قتل‌عام (آن‌ها که در این جنگ نابود نشده‌اند) را به محاکمه کشید. باید جنبش دادخواهی دی‌ماه را سازمان داد و به حرکت در آورد. دی‌ماه خونین زخمی عمیق را بر پیکر جامعه وارد کرد. قلب همه ما مردم را به درد آورد. خشم را در سراسر جامعه آبیاری کرد. تصویرش را بکنید! طی دو روز این حکومت ۵۰

هزار نفر از عزیزان مردم، از شهروندانش را با شلیک مستقیم گلوله به قتل رساند! اراقی از این تکان‌دهنده‌تر نیز بیان شده است، چون هیچ امکان بررسی مستقیمی به مردم و خبرنگاران داده نشده است. کلمات از بیان این درنده‌خوئی عاجزند. نخواهیم گذاشت که جانیان اسلامی حاکم از این جنایت و نسل‌کشی بی‌سابقه بی‌پاسخ در بروند. جمهوری اسلامی در خیزش دی‌ماه که ادامه انقلاب زن زندگی آزادی بود، سرنگونی حتمی خود را می‌دید. خودی‌هایشان هم هنوز ماه‌ها پس از این کشتار تمام خوشحالی‌شان اینست که سرنگون نشدیم!

امروز یک جامعه ۹۰ میلیونی دادخواه است. جنبش دادخواهی در سراسر جامعه ریشه دوانده است و یک رکن مهم جنبش سرنگونی است. حکومت آنچنان از مردم وحشت دارد که جرات نمی‌کند اینترنت را باز کند. چون باز شدن اینترنت مردمی را به جهان نشان می‌دهد که از مرگ خامنه‌ای و لاریجانی و بقیه جلادان سربه نیست شده حاکم، خوشحالند و جشن می‌گیرند. مردمی را نشان می‌دهد که خود را برای پایان حکومت جلادان اسلامی آماده و سازماندهی می‌کنند. در عین حال در برابر این مردم ۹۰ میلیونی، حکومتی را نشان می‌دهد که ناچار شده است برای عقب راندن مردم، از کشورهای دیگر مزدور وارد کند. حشد الشعبی و فاطمین و زینبیون و امثال این کثافات این روزها در



صداهایی از داخل ایران شنیده می‌شود و این شروعی برای فعال شدن یک آتشفشان است. آتشفشان دادخواهی! این جنبش سراسری باید سازمان یابد و آنرا سازمان خواهیم داد. پیش از این جنگ شاهد بودیم که گرمی‌داشت یاد جانبازان بر مزار آنها چه اشکال و ابعادی داشت و چگونه خانواده‌ها و مردم با رقص خشم کل بساط حاکم را به چالش کشیدند. این‌ها طلیعه‌های همان فوران عظیم و تاریخی است که اشاره کردم.

کلا اعدام و زندان و دستگیری هیچگاه در تاریخ هیچ حکومت منزوی و منفوری را نجات نداده است و جمهوری اسلامی نیز مستثنا نیست. دی‌ماه خونین در کنار تابستان ۶۷، در کنار سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی، در کنار اعدام هزاران نفر از زندانیان، در کنار جنایات دیگر حکومت قاتلان اسلامی، جایی برای این حکومت در این جامعه جز زیاله دان باقی نگذاشته است.

تلاش ما این است که در سطح جهان حکومت اسلامی توسط دولت‌ها بایکوت شود و سفارتخانه‌ها و نهادهایش تعطیل شوند، جنبش دادخواهی در اشکال متنوعی به جریان بیفتد، و صدای مردم دادخواه را وسیعاً در جهان بازتاب دهیم.

دادخواهند و با هیچ درجه ای از کشتار به عقب بر نمیگردند. در ادامه این روند و در حالیکه خشم جامعه ۹۰ میلیونی مردم دادخواه شعله‌ورتر شده و جامعه درگیر مبارزای گسترده با حکومت برای به پیروزی رساندن انقلاب خود بود، در نهم اسفندماه ۱۴۰۴ جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل آغاز و اوضاع وارد فاز جدیدی شد.

طبیعی است که اعتراضات در زیر پرتاب پهباد و موشک در شکل قبلی و بصورت تظاهرات‌های خیابانی نمی‌توانست ادامه پیدا کند. در این دوره ما شاهد خودسازماندهی مردمی در محلات و شکل‌گیری گروه‌های همیاری و همبستگی مردمی بودیم. از جمله در جایی مثل کرمان علی‌رغم خاموشی اینترنتی، از برگزاری مراسم یادبود جانب‌باختگان و تشکیل گروه همیاری در همان مراسم خبر رسید. و این در حالی بود که سه‌شنبه‌های نه به اعدام و صدای اعتراض زندانیان با وجود فشار سنگین امنیتی همچنان تداوم داشت. به این ترتیب ما شاهد این بودیم که علی‌رغم فقر، ناامنی، نظامی شدن شهرها و در زیر انفجارهای مهیب جنگی مردم اجازه ندادند که شیرازه جامعه از هم بپاشد. مردم مرگ خامنه‌ای و سران جنایتکار حکومت را جشن گرفتند و از هر فرصتی برای بیان اعتراض خود سود جستند.

به‌هرحال در نتیجه جنگ‌افروزیهای حکومت بود که اوضاع بار دیگر وارد فضای جنگی شد و جنگ ۳۹ روزه را شاهد بودیم. قطعاً تا این رژیم هست جنگ و ناامنی هم خواهد بود و علیه این وضعیت جهنمی امروز جامعه بشدت انفجاری است.

با آتش‌بس در جنگ هر چند هم موقت و با تداوم جنگ‌افروزی‌های حکومت و سایه سنگین ادامه جنگ بر سر جامعه، پژواک فریاد این که جنگ ما با حکومت آتش‌بس ندارد، بلند شد.

نکته قابل توجه این است که در این جنگ، جمهوری اسلامی به لحاظ نظامی و سیاسی ضربات سختی را متحمل شده است. رهبرش خامنه‌ای و رده‌های مختلفی از بالاترین سران و فرماندهان نظامی را از دست داده و با بحران اتوریته روبرو است. با کشیده شدن دامنه جنگ‌افروزی‌های حکومت به منطقه و به تنگه هرمز که بحران انرژی در جهان را همراه داشته، کشورهای مختلف در منطقه به مخالفین این حکومت تبدیل شده و جمهوری اسلامی در سطح جهانی نیز منزوی تر شده است. در عین حال شکاف در حکومت بیش از هر وقت است و کار به جایی رسیده است که نزاع‌ای باند‌های مافیایی حکومت به تظاهرات‌های خیابانی علیه یکدیگر تبدیل شده است. این خود به جامعه معترض جرات و قدرت می‌بخشد.

به‌علاوه، اقتصاد جمهوری اسلامی که به مرز فروپاشی رسیده بود و با ابربحران‌های بزرگش زندگی و معیشت مردم را به نابودی کشانده و یک محور مهم خیزش دی‌ماه بود، بیش از پیش به دنبال جنگ به نابودی کشیده شده و جامعه تماماً از حالت عادی خود خارج شده است. گرانی، فقر، بی‌تامینی، بساط سرکوب و کشتار حکومت، بیکاری‌های میلیونی باروتی برای شعله‌ور شدن گسترده‌تر خشم و اعتراض مردم شده و جامعه انفجاری است و جنبش کارگری به‌شدت در تلاطم است. محیط‌های کارگری در نتیجه سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت به‌شدت آسیب دیده و تعطیل شده‌اند. از جمله طبق اخبار برملا شده و گفته‌های خود حکومتیان ایجاد شهرک‌های موشکی زیرزمینی توسط حکومت و قطعی ادامه‌دار اینترنت به بخش بزرگی از زیرساخت‌های اقتصادی جامعه لطمه زده و بیکاری‌های میلیونی در پی داشته است. از سوی دیگر در جریان حملات نظامی اسرائیل و آمریکا بزرگترین صنایع کشور مثل صنعت نفت، پتروشیمی‌ها، صنایع فولاد، معادن، ساختمان‌سازی، و شهرک‌های بزرگ صنعتی در جاهایی

موقعیت اعتراضات و جدالهای اجتماعی در پس جنگ



یک سوال از شهلا دانشفر

انترناسیونال: قبل از جنگ ۳۹ روزه، تحرک واقعی در صفوف کارگران، به‌ویژه در نفت و پتروشیمی، دیده می‌شد. با شروع جنگ این تحرکات عقب نشست. سوال این است: این فقط یک وقفه تحمیلی بود یا جنگ توانست ضربه‌ای واقعی به استقلال سیاسی طبقه کارگر بزند؟ به بیان صریح‌تر آیا جنگ طبقه کارگر را عقب زد — یا فقط به‌طور موقت به زیر سطح برد و اکنون در آستانه بازگشت و تعرض دوباره است؟

شهلا دانشفر: واقعیت این است که جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل معادلات سیاسی در ایران، و به تبع آن در اوضاع سیاسی جهان تحول بزرگی ایجاد کرده است. جنگ به آتش‌بس رسید. اما فضای جنگی همچنان باقی است. و بدون در نظر گرفتن این تحول مهم مقایسه اوضاع سیاسی جامعه در بعد از جنگ با شرایط قبل از آن پاسخ درستی نخواهد گرفت. اما قبل از هر توضیحی در پاسخ به سوال شما و اینکه آیا جنگ اعتراضات طبقه کارگر و یا جامعه را عقب زده است، با قاطعیت بگویم که به نظر من ابداً چنین نیست. و نه فقط طبقه کارگر بلکه کل جامعه عقب ننشسته است. اما برای مقایسه وضعیت اعتراضات در شرایط جنگی و قبل از آن لازم است به دی‌ماه ۱۴۰۴ و قتل‌عامی که حکومت به راه انداخت برگردیم.

جامعه ایران خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ را پشت سر گذاشته است. خیزشی که با اعتصاب بازار بر سر گرانی جرقه اش زده شد و بلافاصله با فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" به اعتراضات هزاران نفره ضدحکومتی در نزدیک به دویست شهر تبدیل شد. خیزشی که حقیقتاً مرحله نویی از انقلاب زن زندگی آزادی بر محوریت معیشت بود. تحرکات گسترده در جنبش کارگری - از جمله تجمعات هزاران نفره کارگران ارکان ثالث در پارس جنوبی و در تهران و اعتراضات سریالی کارگران رسمی نفت، تجمعات هر روزه بازنشستگان، اعتراضات گسترده پرستاران، اعتراضات وسیع در دانشگاه‌ها، مراسم‌های گرامیداشت یاد جانب‌باختگان در متن فضای یک‌پارچه خشم و اعتراض جامعه - تحول اوضاع به‌سوی شرایط انقلابی دی‌ماه ۱۴۰۴ را رقم زد.

در آن مقطع حکومت که سقوط خود را حتمی می‌دید با به گلوله بستن صفوف مردم معترض، معترضین را درو کرد. سرکوب خونینی که ده‌ها هزار کشته و هزاران بازداشتی داشت و بعد از آن هم کشتارها و سرکوبگری‌های حکومت ادامه یافت. اما مردم عقب ننشستند و با مراسم‌های هزاران نفره گرامی‌داشت یاد جانب‌باختگان، با اعتراضات سراسری در دانشگاه‌ها و سر بلند کردن اعتراضات در نفت و دیگر مراکز کارگری و در سطح جامعه پاسخ روشنی به حکومت دادند. از جمله در آن مقطع ما شاهد اعتصاب دو روزه کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاه دهم، کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی و صدها کارگر پروژه ای شرکت عمران ساحل و کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران، کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاه دهم پارس جنوبی در بهمن‌ماه آن سال بودیم. همچنین کارگران نفت در اعتراض به کشتار دی‌ماه بیانی‌ه دادند و اعلام کردند که

کارگری دارد سنگربندی‌های خودش را می‌کند. صف اعتراضاتش را شکل می‌دهد و خود را برای نبردی بی‌امان آماده می‌کند. و این تصویر واقعی اوضاع سیاسی کنونی است. بنابراین سکونی که به آن اشاره کرده‌اید، پوسته بیرونی قضیه است. زیر این پوسته خشم و اعتراض بی‌کرائی است که هر آن ممکن است از جایی شعله بکشد. به این اعتبار من این سکون نسبی را موقت می‌بینم.

تجمع اعتراضی کارگران معدن فلورین، بیکارسازیهای گسترده و تعویق پرداخت دستمزدها

تجمع اعتراضی کارگران معدن فلورین شماره یک طبس گلشن کارگران معدن فلورین شماره یک طبس گلشن در اعتراض به اخراج های گسترده اعتراض خود را رسانه ای کردند. این کارگران بین ۴ تا ۲۰ سال سابقه کاری دارند. اخراجها در معدن و مراکز مختلف کارگری گسترده است. از جمله بیش از ۹۰۰ کارگر شاغل تحت مسئولیت یک شرکت معدنی که در زمینه تولید انواع سنگ مرمریت و کرومیت فعالیت دارند تحت عنوان "تعدیل نیروی انسانی" اخراج شده‌اند. صدها واحد معدنی و صنعتی در شهرستان نیریز به دلیل نداشتن صادرات و کاهش فروش تعطیل شده و هزاران کارگر شاغل در آنها از کار بیکار شده‌اند. بر اساس همین گزارشات ۱۱۴ کارگر «پویشگران معدن مکنون پارسیان»، ۱۸ کارگر شرکت «آوند پودر»، ۱۵ کارگر شرکت «رنگین سنگ» و ۱۹ کارگر شرکت «سنگین رنگ» اخراج شده‌اند.

بیکارسازیها به این معناست که هزینه جنگ حکومت برگرده کارگران انداخته میشود. از مقطع شروع جنگ صدها هزار کارگر نفت، فولاد، شهرکهای صنعتی در اراک و ساوه و دیگر مراکز مختلف کارگری نیز به بهانه فضای جنگ و عدم فروش و غیره اخراج شده‌اند و هر روز تعداد بیشتری اخراج می‌شوند.

در برابر اخراجها و عدم پرداخت ماهها دستمزد باید متحد و سراسری ایستاد و دست به اعتراض زد.

اعتراض سراسری استادان و کارکنان دانشگاه‌های کشور اعتراضات اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها، بخاطر پرداخت نشدن حقوق فروردین ماه خود ادامه دارد. طبق گزارشات تعدادی از استادان دانشگاه‌ها در اعتراض به این مساله از برگزاری کلاس‌های آنلاین خودداری کردند و با بیانیه‌های خود به عدم پرداخت حقوق خود اعتراض نمودند.

زیر فشار این اعتراضات وزارت علوم افزایش حقوق بالای ۶۰ درصدی ۱۴۰۵ را صادر کرد. اما سازمان برنامه و بودجه با این درصد افزایش مخالف کرد و از پرداخت حقوق دهها هزار استاد و کارمند دانشگاه خودداری میکند.

یک معضل فوری کارگران و حقوق بگیران جامعه تعویق پرداخت دستمزدهاست. چرخ جامعه را حکومت بخاطر جنگ افزواری هایش و اقتصاد به گل نشسته خود از کار انداخته است این وسط کارگران مردم هستند که قربانی میشوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۲۷ آپریل ۲۰۲۶

نظیر ساوه و اراک و نظیر و کارخانه‌های بزرگی چون داروگرو بلبرینگ‌سازی و چرخش‌گر در تبریز صدمات جدی دیده و کار و معیشت کارگران آسیب دیده است و کارگران در این مراکز در التهاب شدید به سر می‌برند. قابل توجه این است که علی‌رغم همه سرکوبگری‌های حکومتی و فضای نظامی‌ای که حکومت ایجاد کرده اعتراضات دارد از سر گرفته می‌شود و صدایش هر روزه بلندتر می‌شود. از جمله در همین مدت ما شاهد اعتراضات کارگران پالایشگاه گاز ایلام، معدن فلورین طبس، رانندگان و مالباختگان شرکت حمل‌ونقل گلوبال، کادر درمان یزد، استادان و کارکنان دانشگاه‌های کشور، شهرک صنعتی صفا دشت، دانشجویان دانشگاه شریف، بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان، معلمان کارنامه سبز، زندانیان سیاسی درارومیه و کله‌زرها در تهران بوده‌ایم. همچنین در همین مدت سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۵۶ زندان کشور جریان داشته است و محورهای اصلی همه این اعتراضات معیشت، اعتراض به سرکوب و کشتار حکومت و اعتراض به خاموشی‌های اینترنتی بوده است. از جمله بیانیه‌هایی علیه خاموشی‌های اینترنتی از سوی بخش‌های مختلفی مانند پرستاران، روزنامه‌نگاران، معلمان، وکلا داده شده است.

در همین رابطه انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز تحت عنوان "قطع اینترنت، ما را به عصر حجر می‌برد!" با اشاره به قطعی بیش از صد روز اینترنت و ضربه مهلکی که به پیکره اقتصاد کشور وارد کرده است، اعتراض خود را به "اینترنت طبقاتی" اعلام داشت. در این بیانیه تأکید شده است که اینترنت یک حق بدیهی برای تمام شهروندان است و نباید "به هر بهانه و طبقه‌بندی" از عده‌ای سلب و به عده‌ای دیگر واگذار شود. و در همین راستا، موجی از اعتراض و همبستگی در میان اصناف و نهادهای مختلف اجتماعی شکل گرفته است.

در همین شرایط است که کارزار آوریل با حمایت قریب به ۱۷۵ حزب و تشکل سیاسی و اجتماعی از داخل و خارج کشور و برگزاری ده‌ها آکسیون در کشورهای مختلف شکل گرفت. کارزاری که بر سه خواست مهم آزادی زندانیان سیاسی، توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام و دسترسی آزاد همه مردم به اینترنت آزاد تأکید داشت و بازتاب جهانی بسیار پیدا کرد.

بدینگونه علی‌رغم سرکوبگری‌های حکومت اعتراضات در میان کارگران و بخش‌های مختلف جامعه در تناسب با شرایط امروز شکل گرفته و در حرکت است. این اعتراضات به‌طور واقعی آتش زیر خاکستر است و به باور من با فوران عظیمی روبرو خواهیم بود.

جمهوری اسلامی هم متوجه این خطر هست و به شدت وحشت دارد. از همین رو در سایه جنگ و خاموشی اینترنت حکومت بی‌رحمانه سرکوب و کشتار می‌کند. دستگیری‌ها شهر به شهر جریان دارد و گسترده است. زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان معترض زیر شدیدترین فشارها و در وضعیت خطرناکی به سر می‌برند. هر روز احکام زندان و اعدام بیشتری صادر می‌شود. شهرها نیز حالت حکومت نظامی دارد و جمهوری اسلامی با حزب‌الله چرخانی‌هایش می‌کوشد به فضای ارباب بیش از پیش دامن بزند. در مقابله با این سرکوبگری‌ها جامعه و جنبش

اساس سوسیالیسم انسان است!

قتل عام دی ماه که مهر خود را بر وجوه مختلف سیاست در ایران زده است، توقف نکرد و داشت گسترش مییافت.

اما جنگ به کمک رژیم آمد. جنگ ویرانگر آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ضربه‌های مهمی هم به جمهوری اسلامی و هم به مردم وارد کرد. کشته شدن خامنه‌ای و طیفی از فرماندهان سپاه تا نابودی بخشی از امکانات و زیرساختهای نظامی و هسته‌ای ضربه به رژیم بود. ضربات مهم به مردم هم مربوط است به کشتار مردم در خانه‌ها و مناطق مسکونی و کودکان مدرسه میناب در جریان بمباران‌ها که ابعاد آن را هنوز کسی دقیق نمی‌داند، و هم به ویرانی زیرساخت‌ها و پل‌ها و کارخانه‌های فولاد و غیره که تاکنون بیکاری میلیونی ببار آورده است و تبعات منفی آن‌ها در آینده نمایان‌تر خواهد شد.

اما منفعت این جنگ برای رژیم، جنبه سیاسی ماجراست. این جنگ باعث شد که کشتار دی ماه و فضای اعتراض و محکومیت جهانی و داخلی به این کشتار تماما به پشت صحنه برده شود و فضا و بحث و کنترل خیابان و اعتراض به بهانه جنگ در دست رژیم قرار بگیرد. اینترنت را دو ماه است که قطع کرده‌اند و ارتباط داخل را با دنیای خارج قطع کرده‌اند. اوباش مزدور را به خیابان‌ها سرازیر و بجان مردم انداخته‌اند، هر روز دارند اعدام می‌کنند و دستگیر و تهدید می‌کنند. تنگه هرمز و مذاکره و دیپلوماسی و غیره به بحث و گفتار جانبدار حکومت و مدیای تبلیغیشان بدل شده و حتی از تهدید "بدتر از دی ماه" ابائی ندارند. اینها گوشه‌ای از آن واقعیتی است که جنگ به رژیم امکان داده که صورت مساله سیاست در ایران و رابطه‌اش با مردم را عوض کند و جنگ را به جای آن بنشانند. در چنین شرایطی پاسخ بحران‌های عدیده، بی‌آبی و بی‌برقی و بیکاری و گرانی سرسام‌آور و غیره را در بهترین حالت به بعد موکول می‌کنند. بجز مواردی استثنائی، همواره جنگ برای حکومت‌های سرکوبگر نقش "نعمت" را دارد که ساز دیگری بزنند و آنرا همچون ابزاری "مشروع" علیه مردم معترض بکار بگیرند. زمان پایان جنگ البته معلوم نیست. هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی نفعی در ادامه جنگ ندارند. وضع وخیم اقتصادی جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد دراز مدت با تحریم و بدون فروش نفت زندگی کند. برای آمریکا هم فشار داخلی و بین‌المللی و تاثیر بسته شدن تنگه هرمز بر اقتصاد اروپا و سایر کشورها جزو عواملی هستند که ادامه جنگ را مضر می‌نماید. در این میان مشکشان این است که هیچ طرفی نمی‌خواهد زیر بار مطالبات طرف مقابل برود و همین ممکن است جنگ را طولانی کند. تلاش‌های دیپلماتیک چین و روسیه و کشورهای منطقه برای پایان جنگ نیز در جریان است اما حتی معلوم نیست این تلاش‌ها به قطع کامل جنگ منجر می‌شود یا به یک آتش بس طولانی‌تر و یا هیچ.

این مقدمه فشرده لازم بود که تصویری داشته باشیم از زمینه و شرایطی که تحت آن به "مقابله مردم با فقر و گرانی و بیکاری" بپردازیم:

اولین نکته این است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچگونه بهبودی در معیشت مردم ممکن نیست، و وضعیت فقر و گرانی و بیکاری در جهت وخیم‌تر شدن پیش خواهد رفت. باعث و بانی این‌ها همواره و همیشه خود حکومت و سیاست‌های آن بوده است. اکنون در

در دفاع از معیشت و زندگی چه باید کرد؟



یک سوال از فاتح بهرامی

انترناسیونال: وضعیت معیشت کارگران و بخشهای وسیعی از مردم در حکومت اسلامی همیشه بدتر شده است. به نظر شما برای مقابله با این جنگی از همیشه بدتر شده است. به نظر شما برای مقابله با این وضعیت، یعنی فقر، گرانی، بیکاری و بی‌تامینی، چه راهی پیش روی کارگران و مردم قرار دارد؟ کلا چه چشم‌اندازی را از این نظر پیش‌بینی می‌کنید؟

فاتح بهرامی: انعکاس "غیر قابل تحمل" بودن وضع معیشتی کارگران و مردم زحمتکش را در مبارزات پی‌وقفه بخش‌های مختلف طبقه کارگر بر سر معیشت می‌توان دید. این مبارزات که لاقلاً بعد از جنگ ایران و عراق پی‌وقفه ادامه داشته نقطه‌عطف‌ها و خیزش‌های شهری و سراسری مهمی هم داشته که مورد آخر آن دی ماه ۱۴۰۴ بود که با قتل عام و توحش بی‌سابقه رژیم مواجه شد که هنوز ابعاد واقعی این جنایت به دلیل جنگ و قطع اینترنت پنهان مانده است. دلیل این توحش افسارگسیخته جمهوری اسلامی در دی ماه ۱۴۰۴ وحشت از به میدان آمدن طبقه کارگر و هدف قرار گرفتن اقتصاد بحران‌زده رژیم در متن خیزش‌های مردم بود که سراسر ایران را دربرگرفته بود. نگاهی ساده به اعتراضات دو سال قبل از قتل عام دی ماه نشان می‌دهد که بعد از فروکش کردن اعتراضات و تظاهرات‌های خیابانی جنبش زن زندگی آزادی، هر روز شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری در مهم‌ترین بخش‌های طبقه کارگر بوده‌ایم، در بخش صنعتی از جمله در نفت و پتروشیمی‌ها و در بخش خدمات از جمله در اعتراضات معلمان و پرستاران و رانندگان کامیون و غیره. این جنبش طبقاتی داشت اوج می‌گرفت که خیزش‌های مردمی در شهرهای ایران را به دنبال داشت. در مقابل، حکومت به شدت و با بسیج تمام توانش به این سرکوب خونین دست یازید. اما مردم به اشکال ممکن از جمله با شعاردهی شبانه و گرامیداشت جانباختگان‌شان و تجمع جلو زندان‌ها برای آزادی دستگیرشدگان دست به اعتراض زدند. دانشگاه‌ها اعتراضاتشان را از تحصن تا عدم شرکت در امتحانات غیر حضوری و علیه "عادی‌سازی خشونت" توسط رژیم و بیانیه‌ها و اعلام همبستگی با مردم گسترش دادند. طیف وسیعی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف، معلمان، زنان، کارگران، دادخواهان، پرستاران، نویسندگان، هنرمندان و غیره بیانیه دادند و کشتار دی ماه را محکوم کردند و با خانواده‌های جانباختگان ابراز همدردی کردند. به عبارت دیگر مبارزه مردم علیه این رژیم، حتی بعد از

ادامه در صفحه ۷

اساس سوسیالیسم انسان است!

شود کدامند؟ طبعا نسخه حاضر و آماده‌ای وجود ندارد. من فکر میکنم در شرایط امروز ایران و با توجه به پختگی و تجارب فعالین سیاسی و رهبران عملی مبارزات کارگری و اجتماعی می‌شود که جامعه با اتکا به نیروهای پیشرو آن به سمت یک نوع قدرت دوگانه حرکت کند. برای این که منظورم را روشن کنم به مثال‌هایی و نکاتی ابتدائی اکتفا می‌کنم. در شرایط مثلا سیل یا زلزله ما شاهد فعالیت و کمک‌های داوطلبانه مردم بوده‌ایم که برای نجات زلزله‌زدگان به میدان آمده‌اند. با توجه به این که اکثریت عظیم مردم شریف و کارکن جامعه همگی دشمن مشترکی به نام جمهوری اسلامی دارند، آیا نمی‌شود در محل کار، در محله، در دانشگاه و هرجائی که توده مردم حضور دارند مردم در مقابل نیروی سرکوب و حکومتی مانند رابطه زلزله و داوطلبین کمک، نگاه کنیم؟ اگر در محلات سازمان محافظت از خود درست کرده باشیم می‌توان در مقابل دستگیری ایستاد. در کارخانه و محله می‌توان امکاناتی و

شرایط ضیق مالی هرچه بیشتر تلاش خواهند کرد تا بازهم به جیب خالی مردم دست‌درازی بکنند. بنابراین اولین گام برای بهبود معیشت کارگران و مردم زحمتکش سرنگونی جمهوری اسلامی است.

ابتدا باید تاکید کنم که بعد از جنگ، وضعیت جامعه ایران تماما با قبل از جنگ و قبل از کشتار دی‌ماه متفاوت است. رژیم می‌داند که مردم در کمین آن هستند، مردم هم می‌دانند که در کنار و زیر سلطه قاتلان فرزندان و عزیزانشان هستند. هیچ لحظه این نوع زندگی "با هم بودن"، یعنی تحت سلطه جانیان قاتل، بدون تنش و درگیری آشکار یا پنهان نیست. از اینرو در جبهه مردم متحد شدن و پیدا کردن راه‌های مبارزه با حکومت بر سر مسائل و عرصه‌ها و مطالبات گوناگون یک



صندوق‌هایی برای کمک به خانواده‌هایی که نیاز جدی دارند سازمان داد. جنبش همیاری، سازمان دادن کمک‌های پزشکی به نیازمندان... در مواردی ممکن می‌شود که کنترل محل کار به دست کارگران بیفتد و آنرا شورائی اداره کنند. قصد از این چند مثال ابتدائی اشاره به یک وضعیت است که در اوضاع امروز ایران یک نیاز طبقه کارگر است. طبعا همه جا و در همه عرصه‌ها امکانات یکسان نیست، اما اگر این در مرکز توجه فعالین باشد پاسخ‌های درست و واقعی توسط آن‌ها در محل داده می‌شود. بطور خلاصه حرکت به سمت ایجاد و گسترش نهادهای خودگردان و مستقل از دولت اساس کار است. اگر به این موضوع فکر کنیم و حول آن جنبشی راه بیفتد که تجارب تاکنونی در جریان مبارزات و خیزش‌های تاکنونی را به کمک بگیریم شانس زیادی برای موفقیت دارد و یکی از ابزارهای مهم اتحاد طبقاتی است.

فعل و انفعال گسترده خواهد بود.

برای "مقابله کارگران و مردم با فقر و گرانی و بیکاری و بی‌تامینی" هیچ راهی جز مقابله با حکومت یعنی پیمودن راه‌هایی که به پائین کشیدن حکومت از قدرت منجر شود وجود ندارد. دلیل آن به سادگی این است که هیچکدام از این عناصر فقر، گرانی، بیکاری و بی‌تامینی در دست و یا در اختیار مردم نیست. اینها عناصر منضم به اقتصاد یک سیستم و نظام تولیدی، سرمایه‌داری، هستند که با عملکرد سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها بالا و پائین می‌شوند. نقش مردم فقط می‌تواند این باشد که قدرت مبارزه و اعتراضشان باعث تغییر قوانین و تصمیم‌گیری‌هایی در جهت تعدیل این عناصر بشود.

نکته مهم و پایانی پاسخ به این سوال است که تا زمان سرنگونی باید چکار کرد، یعنی آن راه‌هایی که باید پیمود تا به پائین کشیدن رژیم منجر

بیانیه به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگران همه کشورها، از انقلاب زن زندگی آزادی در ایران حمایت کنید!

جنگ حاضر، اوضاع خطرناک منطقه و جهان می‌طلبد که امر عاجل کارگران ایران، یعنی رهایی از شر رژیم اسلامی بورژوازی، بیش از پیش مورد حمایت فعال کارگران همه کشورها قرار گیرد. سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری قدرت مستقیم مردم متشکل در ایران، اینک مطلوبیت فوری و ضرورت عاجل جهانی یافته است. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی بر جمهوری اسلامی نه فقط اولین قدم در رهایی کارگران و جامعه ایران، که در عین حال راه حل واقعی و پایدار در قبال جنگ و بحران جاری و پیش شرط پیشروی به سوی صلح و آزادی و رفاه است.

هدف آمریکا تسلیم و تغییر رفتار جمهوری اسلامی است. اما تا زمانی که جمهوری اسلامی برقرار است برای ادامه حیات خود به اعدام و شکنجه و گلوله و البته اسلام سیاسی و غرب‌ستیزی و همه سیاست‌هایی که به جنگ و بحران کنونی منجر شده ادامه خواهد داد؛ و جنگ ادامه سیاست است.

جمهوری اسلامی هیچ علایجی از درون ندارد و باید تماماً سرنگون شود و به موزه تاریخ سپرده شود.

این رژیمی است که بیش از ۳۰ هزار نفر را در عرض دو روز در ده‌ها شهر ایران به گلوله بسته و ایران را به زندانی بزرگ برای ساکنانش تبدیل کرده است. این رژیم تنها با اتکاء به قتل عام و یا تهدید به قتل عام به بقاء خود ادامه می‌دهد و هیچ مشروعیتی به عنوان دولت ایران ندارد. سرنگونی این رژیم کار مردم ایران و در پیشاپیش آنان طبقه کارگر است. اما کارگران ایران به همبستگی و حمایت فعال کارگران جهان نیاز دارند.

حمایت کارگران جهان از کارگران ایران دو جنبه لاینفک دارد. اول حمایت قاطع و صریح و فعال از تمام تلاش‌های طبقه کارگر و زنان و مردم معترض ایران برای متشکل شدن و رهایی، و در شرایط فعلی بخصوص حمایت فعال مادی و معنوی از انقلاب

زن زندگی آزادی در ایران؛ و دوم اعمال فشار بر دولت‌های خودی که بجای جنگ، مذاکره و یا مصالحه با جمهوری اسلامی این رژیم را بعنوان دولت ایران به رسمیت نشناسند و آنرا بطور همه‌جانبه بایکوت کنند. جمهوری اسلامی باید از همه مراجع و نهادهای بین‌المللی بیرون رانده شود و سران آن به جرم جنایت علیه بشریت و به عنوان قاتلان مردم ایران به دادگاه‌های بین‌المللی فراخوانده شوند. باید با جمهوری اسلامی همان کاری را کرد که زمانی با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی صورت گرفت.

اول ماه مه امسال فرصتی است تا در تمام اجتماعات این روز در همه کشورها به حمایت از مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و بویژه به حمایت فعال از پیروزی انقلاب زن زندگی



آزادی در ایران برخاست!

اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت در عین حال روزی است برای کارگران و مردم بپاخاسته ایران که از این فرصت برای شکل دادن به گردهمایی‌های کوچک و بزرگ در سراسر کشور و حضور پررنگ خانواده‌ها در این اجتماعات استفاده کنند و کيفرخواست خود را علیه جمهوری اسلامی بعنوان عامل کشتار و جنگ و فقر و فلاکت و کل مصائبی که در ۴۷ سال گذشته به اکثریت مردم تحمیل کرده است اعلام کنند و پرچم انقلاب زن زندگی آزادی و خواست‌های حق طلبانه کل جامعه را برافرازند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۲۶ آوریل ۲۰۲۶

در مرکز جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، بحران بقاء جمهوری اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی به کمک غرب و کل بورژوازی جهانی اساساً برای سرکوب و مهار انقلاب ۵۷ به قدرت رسید، انقلابی که خصلت قوی کارگری، آزادی-برابری طلبانه و ضد کاپیتالیستی داشت. جمهوری اسلامی شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، به همراه کم‌هایشان یعنی اعدام، زندان، شکنجه، حجاب، قصاص، تهدید هسته‌ای، تروریسم اسلام سیاسی و قتل عام‌های مکرر شهروندان، را در ۴۷ سال گذشته برای بقاء خود و اساساً علیه کارگران و مردم در ایران و برخی کشورهای منطقه بکار گرفته است.

جمهوری اسلامی در تمام این سالها نه فقط مورد حمایت مستقیم دولت‌هایی چون روسیه و چین بوده بلکه از سوی دول غرب نیز همواره مورد اغماض و مماشات قرار گرفته و حداکثر تلاش‌هایی برای مهار و رام کردن و یا معامله با آن صورت گرفته است. چنانکه در جنگ حاضر نیز

تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران، اعتراض به قطعی اینترنت، و اخباری دیگر

اعتراض بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران به قطع شدن بیمه تکمیلی
روز چهارشنبه نهم اردیبهشت جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان مقابل ساختمان استانداری تجمع و اعتراض کردند. همزمان در تهران بازنشستگان فولاد با حضور در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در خیابان وزرا، خواستار برقراری بیمه تکمیلی خود شدند. به گفته بازنشستگان از ابتدای سال جاری قرارداد بیمه تکمیلی آنان با «آتی سازان حافظ» به اتمام رسیده است. و در شرایط جنگی این مدت تا پایان فروردین ماه تمدید شد اما اکنون به مدت ۹ روز است که فاقد بیمه درمان تکمیلی هستند. این اعتراضات ادامه دارد.

بیانیه هایی علیه خاموشی های اینترنتی

حکومت اسلامی در پناه خاموشی اینترنت سرکوب و جنایت میکند. این سیاست جنایتکارانه در عین خسارت سنگینی به زیر ساخت های اقتصاد فی الحال ورشکسته کشور وارد کرده و بیکارسازی میلیونی در پی داشته هاست. در اعتراض به این وضعیت و اینترنت پولی پرو اعتراضات گسترده است. در همین رابطه بیانیه هایی از سوی بخش های مختلفی مانند پرستاران، روزنامه نگاران، معلمان، وکلا داده شده است. از جمله انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز تحت عنوان "قطع اینترنت، ما را به عصر حجر می برد!" با اشاره به قطعی بیش از صد روز اینترنت و ضربه مهلکی که به پیکره اقتصاد کشور وارد کرده است، اعتراض خود را به «اینترنت طبقاتی» اعلام داشت. در این بیانیه تأکید شده است که اینترنت یک حق بدیهی برای تمام شهروندان است و نباید «به هر بهانه و طبقه بندی» از عده ای سلب و به عده ای دیگر واگذار شود. و در همین راستا، موجی از اعتراض در میان اصناف و نهادهای مختلف اجتماعی شکل گرفته است.

تداوم کارزار سه شنبه های نه به اعدام

سه شنبه هشتم اردیبهشت ماه صد و هجدهمین هفته از کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» (علیرغم فضای جنگی و سرکوب، در ۵۶ زندان کشور جریان یافت و با وجود قطعی اینترنتی خبر آن رسانه ای شد. گفتنی است که کارزار جهانی علیه اعدام و زندان و قطعی اینترنت در

یکشنبه ۸ اردیبهشت آخرین روز خود را پشت سر گذاشت. بنا بر اطلاعات دبیرخانه این فراخوان این کارزار بیسابقه جهانی با حمایت قریب به ۱۷۵ حزب و تشکل سیاسی و اجتماعی از داخل و خارج کشور و برگزاری ده ها آکسیون در کشورهای مختلف کشور شکل گرفت. این کارزار بر سه خواست مهم آزادی زندانیان سیاسی، توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام و دسترسی آزاد همه مردم به اینترنت آزاد تأکید داشت و بازتاب جهانی بسیار پیدا کرد. این یک اعتراض مشترک جهانی بود که نیروی اجتماعی وسیعی را همراه دارد و نوید بخش یک مبارزه متحد و جمعی برای باز کردن در زندانها، از کار انداختن ماشین سرکوب و جنایت حکومت اسلامی و هموار کردن مسیر به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی است.



بازگرداندن نمایندگان فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی به ایران روز چهارشنبه ۲۹ آوریل پلیس مرزی کانادا از ورود مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، هدایت ممبینی دبیر فدراسیون و همراهان آنها به ونکوور جلوگیری کرد و این افراد به ایران بازگردانده شدند. بر اساس قوانین مهاجرتی کانادا، مهدی تاج به دلیل سابقه فعالیت اجرایی در سپاه پاسداران، نهادی که این کشور آن را در فهرست گروه های تروریستی قرار داده، واجد شرایط ورود به خاک کانادا نیست. با این حال، دولت لیبرال به رهبری Mark Carney پیشتر برای او مجوز اقامت موقت صادر کرده بود تا بتواند تحت «شرایط سخت گیرانه» در کنگره FIFA که قرار بود روز پنج شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ در Vancouver برگزار شود، شرکت کند. کانادا از خرداد ۱۴۰۳ سپاه پاسداران را در فهرست گروه های «تروریستی» قرار داده است. همزمان، هیئت اجرایی فوتبال جمهوری اسلامی ایران نیز روز سه شنبه ۸ اردیبهشت در نشست سالانه Asian Football Confederation در ونکوور حضور نیافت.

دبیرکل این کنفدراسیون هنگام اعلام فهرست حاضران، علت غیبت نمایندگان جمهوری اسلامی را «مشکلات ویزا» عنوان کرده بود. جمهوری اسلامی به دلیل پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی و جنایات گسترده اش علیه مردم، باید در سطح جهانی بایکوت شود و

کارگران و مردم زحمتکش

نیروهای مسلح می‌کنید همه و همه علیه مردم و برای سرکوب مردم است. اعلام کنیم که مافیای حاکم، آیت‌الله‌ها و آقازاده‌ها ۴۷ سال از سفره مردم دزدیده‌اید و زندگی اکثریت مردم را تباه کرده‌اید و همچنان به چپاول مشغولید. مثل همیشه اعلام کنیم که دشمن ما همینجاست و مردم ایران با هیچ کشور و دولتی سر جنگ ندارند. اعلام کنیم که علیه همه این سیاست‌ها و حکومتی که ۴۷ سال جنگ و فقر و سرکوب و نکبت را به اکثریت مردم تحمیل کرده است می‌ایستیم و به آن پایان می‌دهیم.

راه نجات ما ادامه انقلاب زن زندگی آزادی، متشکل شدن و گسترش اعتراض و اعتصاب و مقابله با تک‌تک سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای حکومت است. راه خوشبختی ما در قدم اول نابودی این حکومت و کل دم و دستگاه فاسد و جنایتکارانه آن و پایان دادن به همه این

اوضاع مشقت‌بار دهها سال گذشته با شروع جنگ باز هم مشقت‌بارتر شده است. کارفرمایان از جمله دولت و سپاه و مافیای حکومتی که بزرگترین کارفرماها هستند با استفاده از فضای جنگی به اجحافات خود علیه کارگران و بلاکشیدن دستمزدها شدت داده‌اند. صدها هزار نفر را بیکار کرده‌اند. قیمت‌های نجومی کمر مردم کارگر و زحمتکش را شکسته است. رژیم همچنین تحت عنوان جاسوسی و کمک به دشمن تهدیدها، رجزخوانی‌ها، دستگیری‌ها و اعدام‌ها را شدت داده و دسترسی مردم به اینترنت را کاملاً قطع کرده است تا جلو گسترش اعتراضات را بگیرد و از بحران کنونی جان سالم به در ببرد.

علاوه بر این رژیم‌بار دیگر قرار است تمام امکانات جامعه را صرف بازسازی نیروهای سرکوب و تاسیسات اتمی و موشکی و کمک به

تروریست‌های نیابتی کند و برای تامین این مخارج هجوم گسترده‌تری را به سفره‌های مردم شروع کرده است.

اما نه اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی مردم و سرکوب‌ها و اعدام‌ها از مقطع جنگ شروع شده و نه مسئول جنگ و مصائب آن توده‌های مردم هستند. عامل

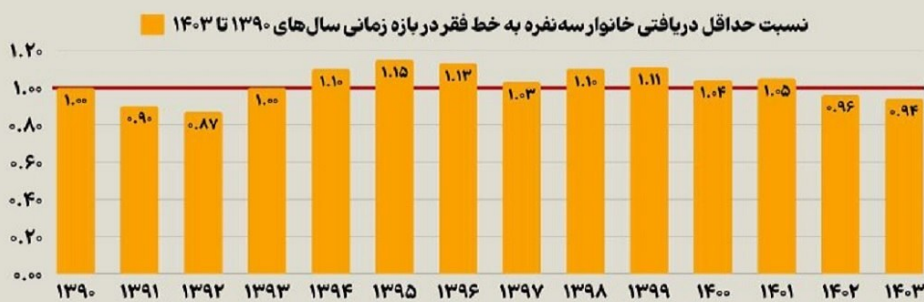
همه اینها خود حکومت و سیاست‌های جنایتکارانه آن در داخل، و آمریکا و اسرائیل ستیزی و تروریسم آن در منطقه است. نباید اجازه دهیم این فضا ادامه پیدا کند. کیفرخواست خود را علیه کل این اوضاع و حکومتی که باعث و بانی آن است باید با صدای بلند اعلام کنیم.

تهدیدها و رجزخوانی‌های جنایتکاران علیه مردم و کل فضایی که به بهانه جنگ ایجاد کرده‌اند را باید بر سر خود حکومت خراب کنیم. علیه همان‌ها که در دهه شصت و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ کشتند و تجاوز کردند، همان‌ها که به هواپیمای مسافربری شلیک کردند و در دی ۱۴۰۴ آدمکشی و قساوت را به اوج خود رساندند و ظرف ۴۸ ساعت قتل عام بی‌سابقه‌ای در دهها شهر به راه انداختند تا سر پا بمانند.

اعلام کنیم که مسئول همه آسیب‌های جانی و مالی ناشی از جنگ خود شما حکومتی‌ها هستید، اعلام کنیم که مسئول جنگ و ناامنی و تحریم‌ها خود شما هستید، اعلام کنیم که سیاست‌های اتمی و موشکی و نیابتی شما، مایه بدبختی ما مردم بوده است. اعلام کنیم که هزینه‌هایی که صرف دم و دستگاه کثیف مذهب و سپاه و بسیج و سایر

چرا حداقل دستمزد باید بیش از میزان تورم افزایش یابد؟

خط فقر از کارگران پیشی گرفت



عدد ۱ در نمودار به معنای تطابق کامل دستمزد با خط فقر است. اگر این نسبت بالای ۱ باشد حداقل دستمزد بیشتر از خط فقر بوده و اگر زیر ۱ باشد، **حداقل دستمزد کمتر از خط فقر** است.

سیاست‌های جنگ‌افروزان، سرکوبگرانه و ضد مردمی است. یک خواست فوری قطع همه هزینه‌های مربوط به موشکی و اتمی و نیابتی، قطع همه هزینه‌هایی که صرف تک‌تک نیروهای سرکوب می‌شود، قطع کلیه هزینه‌هایی که صرف دم و دستگاه فاسد مذهب می‌شود و مصادره کلیه اموالی که توسط مراجع مذهبی و مقامات حکومتی و آقازاده‌ها دزدیده شده است. همه این امکانات باید در خدمت زندگی و رفاه عموم مردم صرف گردد.

این حکومت رفتنی است؛ در بدترین دوران بحران خود گرفتار شده و این کار خود ما مردم است که بساطش را جمع کنیم و کلیه این خواست‌ها را با دستان توانای خود عملی کنیم. حزب کمونیست کارگری با تمام توان برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی و ساختن جامعه‌ای انسانی، آزاد و مرفه و برابر در کنار شما است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۲ مه ۲۰۲۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید